

کارگران به مزد و مواجبه به نام زنان خانه دار

سرور میرحسینی

گزارش

احساس، با نوع نگاه تحقیرآمیز بخشی از جامعه تشدید می‌شود؛ نگاهی که خانه‌داری را «بی‌کاری» تلقی می‌کند.

در ایران، نقش خانه‌داری نه از نظر اقتصادی و نه از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته نمی‌شود. نه مهارت‌هایی که این نقش نیاز دارد جدی گرفته می‌شود و نه فشار روانی و مسئولیت دائمی آن. در چنین شرایطی، طبیعی است فرد به تدریج احساس بی‌ارزشی و بی‌هویتی کند. روان‌پزشکان معتقدند افسردگی در میان زنان خانه‌دار، بیش از آنکه صرفاً ریشه فردی داشته باشد، بُعد هویتی و اجتماعی دارد. احساس مصرف‌کننده بودن، مفید نبودن و نداشتن جایگاه اجتماعی، از بیرون به فرد تحمیل می‌شود و به درون او راه پیدا می‌کند.

با این حال، شرایط فرهنگی هر جامعه می‌تواند شدت این فشار روانی را کاهش یا افزایش دهد. در جوامعی که نقش مراقبتی و خانه‌داری به صورت رسمی و اجتماعی ارزش‌گذاری می‌شود، چه از طریق حمایت مالی، چه از طریق قوانین حمایتی و چه از مسیر فرهنگ عمومی، میزان آسیب‌های روانی به مراتب کمتر است. وقتی مادری و مراقبت، شأن اجتماعی داشته باشد، زن خانه‌دار خود را بی‌هویت یا بی‌فایده نمی‌بیند. نتیجه روشن است: مشکل، خانه‌دار بودن نیست؛ مشکل، بی‌ارزش شدن خانه‌دار بودن است. وقتی یک نقش اجتماعی اعتبار خود را از دست می‌دهد، افسردگی به پیامدی طبیعی تبدیل می‌شود.

به گفته کارشناسان، راه برون‌رفت از این وضعیت وجود دارد، اما نه با شعار و جملات انگیزشی. هیچ زن خانه‌داری با توصیه‌های کلی و مثبت‌اندیشی، امنیت روانی و اقتصادی پیدا نمی‌کند. تغییر واقعی، نیازمند اصلاح قوانین، حمایت‌های اجتماعی، به رسمیت شناختن خانه‌داری به عنوان کار و تغییر نگاه فرهنگی جامعه است؛ مسیری که بدون اراده جدی سیاست‌گذاران و مشارکت اجتماعی، همچنان مسدود خواهد ماند.



«معصومه» زنی میانسال است که چند نوه دارد و بیشتر روزها از آن‌ها مراقبت می‌کند. او می‌گوید کار خانه برایش سال‌هاست به عنوان یک «وظیفه قطعی و بدیهی» تعریف شده؛ وظیفه‌ای که مردان خانواده هیچ‌گاه خود را در آن سهیم نمی‌دانند. «وقتی میهمانی داریم آن‌قدر خسته می‌شوم که فقط دوست دارم همه چیز زودتر تمام شود، اما همسرم راحت می‌نشیند، با مهمان‌ها صحبت می‌کند و لذت می‌برد. انگار اصلاً نمی‌بیند این پذیرایی چقدر انرژی می‌گیرد.» به گفته او، خانه‌داری با بالا رفتن سن نه تنها کمتر نشده، بلکه با اضافه شدن نقش مادرزری، مسئولیت‌ها بیشتر هم شده است. مراقبت از نوه‌ها، پخت‌وپز، نظافت، مدیریت خانه و رسیدگی عاطفی به اعضای خانواده، مجموعه‌ای از کارهایی است که بی‌وقفه انجام می‌شود، بی‌آنکه نامی از «کار» بر آن گذاشته شود.

بیمه زنان خانه‌دار؛ طرحی روی کاغذ، بدون پشتوانه اجرایی

یک سال پس از آنکه سازمان تأمین اجتماعی هم‌زمان با روز مادر از آمادگی خود برای بیمه کردن زنان خانه‌دار خبر داد، بررسی‌ها نشان می‌دهد تغییری معنادار در وضعیت بیمه‌ای این گروه رخ نداده است. طرح بیمه زنان خانه‌دار همچنان به صورت خویش‌فرمایی اجرا می‌شود؛ مدلی که در آن، زنان باید شخصاً حق بیمه را پرداخت کنند. این در حالی است که بخش بزرگی از زنان خانه‌دار، نه شغل رسمی دارند و نه درآمد ثابت، و در نتیجه عملاً از امکان استفاده از این طرح محروم‌اند. گزارش‌های اخیر سازمان تأمین اجتماعی درباره مستمری‌بگیران نیز شکاف عمیق جنسیتی را تأیید می‌کند. زنان به طور متوسط حدود هفت سال کمتر از مردان سابقه بیمه‌پردازی دارند و میانگین مستمری آن‌ها به مراتب پایین‌تر است؛ به طوری که در برخی موارد مستمری مردان بیش از ۱۵۰ درصد بالاتر از زنان است. این اختلاف، نتیجه مستقیم سال‌ها نادیده گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل واقعی است.

در قوانین ایران، خدمات زنان خانه‌دار به دلیل نداشتن دریافتی مالی، در تعریف رسمی «شغل» قرار نمی‌گیرد. همین نگاه، آن‌ها را از پوشش‌های بیمه‌ای و حمایتی محروم می‌کند. در حالی که زنان خانه‌دار روزانه ساعت‌هایی معادل یا حتی بیش از یک شغل تمام‌وقت کار می‌کنند، هیچ‌یک از این فعالیت‌ها در نظام بیمه‌ای کشور به رسمیت شناخته نمی‌شود. نتیجه این وضعیت، آسیب‌پذیری شدید زنان در دوران سالمندی، بیماری یا ازکارافتادگی است؛ زمانی که دیگر توان کار فیزیکی ندارند و پشتوانه مالی نیز برایشان تعریف نشده است.

افسردگی؛ پیامد نادیده گرفتن نقش اجتماعی زنان خانه‌دار

بسیاری از زنان خانه‌دار، احساس جابجایی از زندگی شخصی و اجتماعی خود را تجربه می‌کنند. ماندن طولانی‌مدت در خانه، نداشتن ارتباط اجتماعی گسترده و دیده نشدن تلاش‌ها، باعث می‌شود احساس کنند از جریان اصلی جامعه عقب افتاده‌اند. این